

به نام خدا

آغاز دوست داشتنی

نویسنده

نسرین سیفی



تلفن: ۶۴۰۳۲۹۹ - ۶۴۹۶۸۲۸ فاکس: ۶۴۹۶۶۹۲

مقدمه

آری، آغاز دوست داشتن است گر چه پایان راه، ناپیداست
من به پایان، دگر نیندیشم که همین دوست داشتن زیباست
شب است و باران نم نم می بارد و من به مقدمه کتابم فکر می کنم. شب
است و هوا سرد و نگاه من، رقص آبی شعله ها را به تماشا نشسته است و
دنیا... و دنیا چه قدر آرام خوابیده است.

باران نم نم می بارد و آدم دلش می خواهد، زیر باران راه برود و قصه ای نو
آغاز شود. مانند آغاز دوست داشتن!

نمی دانم که چرا نوشتن مقدمه این قدر سخت است و گفتن این که آغاز
دوست داشتن قصه آدمهایی است که...

اما حقیقت این است که آغاز دوست داشتن، قصه کشمکش های دو نفر
است که در کشاکش زندگی، اسیر شده اند. قصه خودخواهی ها و
لجبازی ها. قصه تو در توی آدمهایی که در یک دور باطل به دام افتاده اند
و هر کدام سعی می کنند راه حلی برای فرار از تقدیر پیدا کنند. قصه تلاش
انسانها، برای به دست آوردن آن چه که حق مسلم خود می دانند...

برای شروع یک عشق، دو چشم مشتاق و یک نگاه موج، نقطه آغاز

است. برای شروع یک عشق باید رفت، باید از خود گذشت، باید با سرنوشت در افتاد و باید به پایان بیندیشید. برای شروع یک عشق تردید جایز نیست. باید عاشقانه قدم برداشت و عاشقانه تر دوست داشت.

آغاز دوست داشتن، قصه آغاز دوست داشتن است، آغاز یک ناپیدا، یک زیبا و یک بهار. کاش آدمها به آغاز می رسیدند بی آن که لحظه ای به پایان بیندیشند. و کاش به آغاز برسیم پیش از آن که پایان زودتر از ما به خط آغاز رسیده باشد.

کاش لحظه ای بیندیشیم که به قول فروغ فرخزاد « همین دوست داشتن زیباست! »

دلم می خواهد تو هم با من به آغاز برسی، آغاز تمام آن چه برای توست. آغاز یک هدف تازه .

بهار می آید و شکوفه ها آغاز می شوند، پاییز می آید و برگریزان آغاز می شود و تو می آیی و زیبایی آغاز می شود. پس بیا تا با هم به زیباییها برسیم که همین زیباییها زیباست!

نویسنده